

چگونه می توان یک "چهره ماندگار" شد؟

باربد کیوان

نورالدین زرین کلک، پدر پویانمایی ایران به حساب می آید. انیمیشن کوتاه ضد امپریالیستی "دنیای دیوانه دیوانه" که زرین کلک در سال ۱۳۵۷ ساخت از نظر کیفیت، اصالت و محتوا بالاتر از همه انیمیشن های بی روح و بی مزه به اصطلاح ضد آمریکایی - ضد صهیونیستی است که دست پروردگان جمهوری اسلامی با انگیزه پول و امتیاز سر هم می کنند. آن اثر ماندگار، برای ماندگار کردن نام خالقش در تاریخ هنر کافی است. اما حالا نام زرین کلک می تواند با یک اقدام غافلگیر کننده فرهنگی - اجتماعی در تاریخ معاصر ثبت شود.

این استاد دانشگاه جرات کرده و از یکی از دختران محجبه دانشجو پرسیده که چرا فرشته ای را بدون مو و نازیبا کشیده است؟! استاد از این هم فراتر رفته و در برابر این گفته دختر دانشجو که "زیبایی ظاهری مساله ای نیست"، بقیه کلاس را شاهد گرفته که آیا این همکلاسی شما با آشکار کردن طره گیسوی خود زیباتر نخواهد شد؟ همین برخورد، بر آتش موج جدید فشار و خفقان سیاسی در دانشگاه ها نفت پاشیده است. استاد را از دانشگاه اخراج می کنند. وزیر علوم اعلام می کند که او دیگر حق تدریس در هیچ دانشگاهی ندارد. بسیج دانشجویی نعره می کشد که دانشگاه باید تصفیه شود. این نعره ها ادامه ای است بر توطئه امنیتی جعل لوگوی نشریات مستقل دانشجویی. ادامه ای است بر زمینه چینی های سیاسی وزیر ارشاد اسلامی برای "انقلاب فرهنگی دوم". ادامه ای است بر تحریک متعصبان و تاریک اندیشان توسط آیت الله جنتی در نماز جمعه علیه گسترش افکار پیشرو و مترقی و آزاداندیشانه در دانشگاه. البته صحبت از وجود آزادی در دانشگاه های ایران، مثل بقیه عرصه های جامعه، یک شوخی است. ولی مساله اینست که حاکمیت از وجود مراکز که به صحنه مبارزه و مقاومت آزادیخواهانه تبدیل شده اند می ترسد. می خواهند آزادی های ظاهری و هر گونه "فضای باز"ی را از بین ببرند تا راه تنفس و رشد نهال آزادیخواهی را ببندند.

استاد چه کرده است؟ آیا آن طور که گروهی از روی فریبکاری و یا ساده لوحی ادعا می کنند به ساحت آزادی فردی دانشجوی محجبه تعرض کرده است؟ آیا مستبدانه، اعتقادات و ارزش های فردی او را مسخره کرده است؟ شک نیست که آن دختر دانشجو یا هر دانشجوی دیگر "حق" دارد طرح فرشتگان را به هر شکلی که خواست بکشد. با مو یا بدون مو. شاید دانشجوی دوست داشته باشد فرشتگان را اصلا بدون سر بکشد. صحبت از موجودات خیالی است و راه تخیل بشر را نمی توان بست. همه کلیساهای قدیم و جدید دنیا و کتابهای مذهبی مسیحیان پر است که نقش کودک وار فرشتگان با زلف های مجعد و پیکرهای برهنه. هیچ بنی بشری نمی تواند ادعا کند که فرشتگان را به چشم دیده است. در کتاب های مقدس ادیان گوناگون نیز هیچ نشانه ای از شکل و شمایل فرشتگان نیست. حتی جنسیت فرشتگان هم مشخص نشده است! بنابراین هر کس که به وجود فرشته معتقد است، "حق" دارد فرشتگان را هر شکل که خواست مجسم کند. کسانی هم که اعتقادی به ماوراء الطبیعه ندارند "حق" دارند به جای طرح فرشته، کاغذ سفید تحویل استاد بدهند.

ولی این کشمکش بر سر "حق" داشتن یا نداشتن نیست. بر سر طرز تفکر است. پشت "فرشته بی موی" دانشجوی محجبه، طرز تفکر معینی از زن خوابیده است. طرز تفکری هزاران ساله. او فرشته را زن فرض کرده است. در عین حال، این جرات را به خود نداده که طرح فرشته را با حجاب اسلامی بکشد. قرآن و کتب مقدس سایر ادیان ابراهیمی چنین اجازه ای را به وی نمی دهد. او فقط یک چیز را خوب می داند، به نمایش در آمدن موی فرشته (زن)، گناه آلود است و گناه آفرین. بر مبنای این طرز تفکر، نمایش موی زن تحریک کننده است. این منطق ممکنست عجیب و غریب به چشم بیاید ولی دقیقا همین است. از طرف دیگر، اگر کسی با دیدگاه اصول گرایانه مذهبی به مساله نگاه کند سرانجام به این نتیجه خواهد رسید که همین وسواس دست و پا گیر و خشک اندیشانه هم کفرآمیز است! مگر غیر از اینست که مساله پوشش برای

انسان، بر مبنای نص صریح کتاب مقدس، زمانی مطرح شد که آدم و حوا "گناه نخستین" را مرتکب شدند و از میوه ممنوعه (نماد آگاهی از خیر و شر) خوردند؟ مگر بعد از این نبود که از برهنگی خویش با خبر و شرمزده شدند؟ از نظر یک معتقد به نص صریح کتب مقدس دینی، ضرورت پوشش فقط برای انسانها مطرح شده است و هیچ مومن و معتقدی جرات ندارد این موقعیت را که نتیجه ارتکاب گناه است به فرشتگان تعمیم دهد. شاید فلسفه برهنگی فرشتگان در نقاشی های کلیسایی همین باشد. اما کسانی که دچار تفکرات خشک اندیشانه و متعصبانه اند و در هراس همیشگی از ارتکاب گناه به سر می برند، دو راه بیشتر ندارند. یا باید همان کاری را بکنند که دختر دانشجوی رشته هنر کرد. یعنی از داده های زمینی استفاده کنند: فرشته را به زن تبدیل کنند و برای اینکه گناهی رخ ندهد نه فقط پیکرش را بپوشانند بلکه موهایش را هم از ته بتراشند. و یا باید از خیر تخیل و هنر بگذرند. و یا به سبک متعصبان مذهبی قرون گذشته و طالبان قرن بیست و یکم، نقاشی های دیواری را گل بگیرند، مجسمه ها را بشکنند و کتابهای مصور را بسوزانند.

موضوع دیگری که در مجادله استاد و دانشجو به میان آمده، زیبایی و نا زیبایی است. استاد، فرشته بی مو را زشت می داند. بر مبنای معیارهای زیباشناسانه ای که استاد قبول دارد، "حق" با اوست. دانشجوی محببه هم "حق" دارد که این معیارها را ظاهری بداند و زیبایی را با معیارهای دیگر بسنجد و بیان کند. ولی در این مجادله نیز بحث "حق" داشتن یا نداشتن گرهی را باز نمی کند. در اینجا، مساله خودفریبی در میان است. دختر دانشجو خودش هم خوب می داند که در این جامعه، زیبایی ظاهری مساله است. خیلی هم مساله است. حداقل او در تجربه شخصی خود به مثابه یک زن در جامعه طبقاتی مردسالار، یعنی در جامعه ای که زنان به عنوان کالا در معامله ای به نام ازدواج داد و ستد می شوند، این واقعیت را با پوست و گوشت خود احساس می کند. او که ظاهرا به فرهنگ و ارزشهای طبقه حاکم باور دارد باید از خود سوال کند که اگر زیبایی ظاهری مساله نیست، پس فلسفه ریش گذاشتن مردان مومن و معتقد چیست؟ چه توجیهی پشت این کار وجود دارد؟ اگر زیبایی ظاهری مساله ای نیست پس چرا صدا و سیمای اسلامی در اخبار خارجی خود با شادمانی از "گرایش مردان ایتالیایی به ریش گذاشتن" بگوید و اینکه "ایتالیایی ها معتقدند که ریش چهره مردان را جذابتر می کند"؟! اگر زیبایی ظاهری مساله ای نیست پس چرا نظریه بافان فرهنگی حکومت این همه زور می زنند و آثار متفکران و فلاسفه بعد از اسلام در ایران را زیر و رو می کنند تا شاید بحثی از فرم و رنگ و اصول زیبایی شناسانه بیابند و پزیش را بدهند؟ اگر زیبایی ظاهری مساله ای نیست پس این کت شلواریهای گران قیمت و پیراهن های زرق و برق دار بدون یقه بر تن دیپلمات های حکومت اسلامی چه نقشی بازی می کند؟ استدلال دختر دانشجو در برابر استاد نهایت خودفریبی است. در عین حال، نمی توان خود را طرفدار زیبایی باطنی اعلام کرد اما در برابر زشت ترین نگاه های جنسیتی به زنان ساکت ماند. نمی توان واقعا به دنبال زیبایی باطنی بود ولی از روابط و ارزش ها و دیدگاه هایی که زن را به شنیع ترین شکل به بند می کشد پیروی کرد.

سخن کوتاه. هیاهویی که بر سر مجادله استاد زرین کلک و شاگردش بر پا شده، حلقه ای از یک طرح سرکوپگرانه و آزادی کش در دانشگاه و کل جامعه است. از اینکه دیدگاه ها و ارزش ها و عقاید امروز زرین کلک چیست و تا چه اندازه با کهنگی و تاریک اندیشی و اسارت پیشگی در تضاد و تقابل است بی خبریم، ولی یک چیز روشن است. اقدام او بیش از آن که تعرضی باشد برای محدود کردن آزادی بیان و عقیده یک دانشجو، تلنگری است بر مغز او که، جور دیگری هم می توان به مسائل نگاه کرد.

برگرفته از سایت نشریه دانشجویی بذر